

# بررسی و تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی استان قزوین

## در سه سطح کلان، میانی و خرد

حاکم قاسمی<sup>۱\*</sup>، مهدی نیکویه<sup>۲</sup>، عین الله کشاورز ترک<sup>۳</sup>

### چکیده

سرمایه اجتماعی دارایی و اعتباری است که از روابط اجتماعی حاصل می‌شود. برخورداری از این سرمایه موجب تسهیل در پیشبرد امور، کاهش هزینه‌ها، افزایش اثربخشی و بهینه شدن امور برای بهره‌برداری از سایر سرمایه‌ها می‌گردد. بر این اساس سازمان‌ها به‌طور مستمر با افکار سنجی و ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی موجود در جامعه، برای حفظ و افزایش این سرمایه تلاش می‌کنند. هدف مقاله این است که با مشخص کردن وضعیت سرمایه اجتماعی در استان قزوین، ذینفعان این موضوع در استان را از وضعیت سرمایه اجتماعی که در اختیار دارند مطلع سازد تا با اتخاذ راهبردهای مناسب سرمایه اجتماعی در اختیار خود را حفظ و برای ارتقاء آن تلاش نمایند.

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است که به دنبال ارائه تصویری از میزان سرمایه اجتماعی در میان افراد ۱۸ سال به بالای ساکن در ۱۲ شهر مرکزی و مناطق روستایی استان قزوین است. حجم نمونه تحقیق ۲۲۶۶ نفر تعیین گردید و روش مورد استفاده در پژوهش از یک سو اسنادی و از سوی دیگر میدانی و با استفاده از پرسشنامه و پیمایش بوده است.

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اسپس اس اس استفاده می‌شود و در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز روش توصیفی-تحلیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نتایج استنتاج شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد وضعیت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح کلان و میانی پایین‌تر از حد متوسط و تنها در سطح خرد کمی بالاتر از میانگین متوسط قرار دارد. بنابر این ضروری است ذینفعان و سازمان‌های متولی در استان قزوین با اتخاذ رویکردهای آینده محور و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب در صدد ارتقای وضعیت سرمایه اجتماعی برآیند.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، استان قزوین، سیاست‌گذاری، پیمایش

<sup>۱</sup> دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

<sup>۲</sup> دکتری آینده پژوهی، مدرس دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

<sup>۳</sup> استادیار آینده پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>، بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود (حق‌گویان و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲). توجه به سرمایه اجتماعی از این واقعیت ناشی شده که انسان موجودی اجتماعی است که در یک مجموعه و شبکه‌ای از ارتباطات و مناسبات اجتماعی عمل می‌کند. در این مجموعه و شبکه ارتباطات و مناسبات اجتماعی، امکانات و ظرفیت‌هایی شکل می‌گیرد که انسان‌ها را از بسیاری از خطرهای دور نگه می‌دارد و موجب سهولت در امور زندگی جمعی می‌شود. آنچه این امکان و ظرفیت‌ها را فراهم می‌آورد همان مفهومی است که هانی فان در سال ۱۹۱۶ سرمایه اجتماعی نامید. این مفهوم در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفت و جایگاه مهمی در پیشبرد امور اقتصادی و اجتماعی یافت و به‌عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار برای رسیدن به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شناخته شد (تیلمن، ۲۰۱۲: ۴۵۹).

پاتنام اندیشمندی که اکثر فعالیت‌هایش در رابطه با تدوین مفهوم و تعریف سرمایه اجتماعی می‌باشد، سرمایه اجتماعی را جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد می‌داند که با تسهیل همکاری و هماهنگی در میان اعضای جامعه، آن‌ها را قادر می‌نماید تا اهداف مشترکشان را به‌طور کارآمد دنبال کنند (پاتنام، ۲۰۰۰). درجایی دیگر سرمایه اجتماعی مترادف با مفاهیمی چون انسجام اجتماعی، پیوستگی اجتماعی و حتی برادری به‌کاررفته است (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۲). در تحقیق دیگری، سانگیر سرمایه اجتماعی را وجود یک نظام اجتماعی مبتنی بر تعامل میان کنشگران و اساس نظام اجتماعی تعریف کرد (سانگیر، ۲۰۱۲: ۱۵). با توجه به تعاریف متنوع و مختلف از سرمایه اجتماعی در این پژوهش سرمایه اجتماعی به مجموعه توانمندی‌ها، دارایی‌ها و ارزش‌هایی اطلاق می‌شود که در مناسبات اجتماعی شکل می‌گیرد و با بهره‌گیری و استفاده از آن‌ها توانایی و کارایی برای تحقق اهداف و تأمین نیازها و پاسخ به تقاضاها فراهم و امکان‌پذیر می‌گردد.

با توجه به دشواری اندازه‌گیری و سنجش مفاهیم کیفی در علوم اجتماعی، اندیشمندان تلاش کرده‌اند تا هر مفهومی را با شاخص‌های آن معرفی کنند و با در نظر گرفتن شاخص‌هایی برای هر مفهوم کیفی آن را قابل اندازه‌گیری نمایند. جهت اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی دو مشکل اصلی وجود دارد. مسئله اول متفاوت بودن مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف است و مسئله‌ای دوم تکنیک‌های علمی اندکی جهت اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی وجود دارد که باعث شده تا محققان مؤلفه‌های نزدیک به واقعیت را برای سنجش در نظر بگیرند.

با مرور و بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف درباره مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی درمی‌یابیم دسته‌بندی‌های مختلفی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی صورت گرفته است (رؤیایی و کاووسی، ۲۰۰۸؛ ربانی خوراسگانی و همکاران، ۲۰۱۰؛ محمدی و همکاران، ۲۰۱۰؛ هنه کام و همکاران، ۲۰۱۹؛ نارایان، ۲۰۰۱؛ یئون، ۲۰۱۷؛ ویلموسدوتیر، ۲۰۱۲).

سرمایه اجتماعی را در سطوح مختلفی در جامعه می‌توان یافت. از این رو آن را در سه سطح تقسیم کرده‌اند: سطح خرد، سطح میانی و سطح کلان (غفاری، ۱۳۹۴؛ رحیمی و زالی، ۱۳۹۲). در سطح خرد، سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌هایی از افراد گروه‌های مختلف

<sup>1</sup> Social Capital

اجتماعی مانند دوستان، اقوام و خانواده‌ها و روابط آن‌ها با یکدیگر می‌شود. در سطح میانی سرمایه اجتماعی در سطوح سازمان‌ها و نهادها مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد؛ اما در سطح کلان که فراگیرترین جنبه سرمایه اجتماعی است، سرمایه اجتماعی در سطح ملی مطرح می‌شود که از رسمی‌ترین روابط و ساختارهای نهادی تشکیل شده است به همین دلیل در این سطح سرمایه اجتماعی با عنوان نهادی آمده که نهادهای سیاسی و مدنی از طریق سرمایه اجتماعی کلان شکل می‌گیرند (چلبی، ۱۳۹۵؛ عباسی و همکاران، ۲۰۱۴: ۶۸-۷۰).

سرمایه اجتماعی، یکی از مهم‌ترین دارایی و ارزش‌هاست که از شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به شمار می‌آید (اکبریان و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۷۶). ولی اغلب بررسی‌ها حاکی از کاهش سرمایه‌های اجتماعی در سطح ملی است. اگرچه گزارش‌ها و تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته اغلب محرمانه بوده و منتشر نمی‌شود اما اظهارنظرهای مسئولان و مدیران در سطح ملی و منطقه‌ای اغلب اشاره به کاهش سرمایه‌های اجتماعی دارد. از این رو بررسی این موضوع با توجه به آثار و پیامدهایی که می‌تواند داشته باشد ضرورت می‌یابد.

استان قزوین به عنوان یک اجتماع کهن و با تاریخ و فرهنگ ریشه‌دار، از ظرفیت‌های بسیار بالایی برای بهره‌مندی و حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی برخوردار است و بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی استان به ما نشان خواهد داد آیا آن چنانکه اظهار می‌شود سرمایه اجتماعی در سطح استان قزوین کاهش یافته است؟ یا آنکه سرمایه اجتماعی وجود دارد اما به درستی و به شکل مناسب از آن استفاده و بهره‌برداری نمی‌شود و بنابراین اثرات آن بروز نمی‌یابد یا به شکل محدود و کم‌رنگی بروز می‌یابد.

با این همه بررسی‌ها و ارزیابی‌هایی که صورت گرفته حکایت از کاهش و وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی در سطح استان قزوین دارد. از این رو مسئله تحقیق این است که سرمایه اجتماعی در استان قزوین چه وضعیتی دارد و چگونه می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های موجود در استان آن را ارتقا بخشید. برای پی بردن به این مسئله سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی در استان ضروری است. برای سنجش سرمایه اجتماعی عمدتاً با شناسایی مؤلفه‌های شکل‌دهنده این نوع از سرمایه و احصاء شاخص‌های آن‌ها به ارزیابی و سنجش می‌پردازند. در این پژوهش تلاش می‌شود با تکیه بر ابعاد و مؤلفه‌های فوق و شناسایی شاخص‌های آن نسبت به بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در استان قزوین اقدام و راهبردهای ارتقاء آن با تأکید بر ظرفیت‌های موجود در استان معرفی شود.

## مبانی نظری و پیشینه

### سرمایه اجتماعی

جامعه‌شناسان عصر حاضر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره گرفته‌اند. منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر و کیفیت این پیوندها و نوع آن‌ها می‌توانند به دست آورند (بورديو، ۱۹۸۶، کلمن، ۱۹۸۸، پاتنام، ۱۹۹۳). این مفهوم به‌طور کلی به روابط بین افراد، اصطلاحاً شبکه‌های اجتماعی و قوانین اعتماد متقابل بین افراد اشاره می‌کند (فدور، ۲۰۱۹: ۶۵).

سابقه این مفهوم به معنای امروزی به بیش از ۹۰ سال برمی‌گردد. هانی فان (۱۹۱۶) نخستین نویسنده‌ای است که از اصطلاح «سرمایه اجتماعی» استفاده کرده است (پاتنام، ۲۰۰۰). او اصطلاح «سرمایه اجتماعی» را برای تبیین دگرگونی‌هایی که در روابط اجتماعی دانش‌آموزان مشاهده کرده، به کار می‌برد. در دهه ۱۹۵۰ گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادایی (سیلی و همکاران، ۱۹۵۶) و در دهه ۱۹۶۰ یک نظریه‌پرداز مبادله<sup>۱</sup> (هومانز، ۱۹۶۱) و یک استاد مسائل شهری (جیکوب، ۱۹۶۱) و در دهه ۱۹۷۰ اقتصاددانی به نام لوری (۱۹۷۹) از این مفهوم در نقد تئوری‌های نوکلاسیک نابرابری نژادی و درآمدی استفاده کرده است.

بعد از وی پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، از این مفهوم استفاده کرده است. بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعلی می‌داند که در نتیجه داشتن شبکه‌ای از روابط نسبتاً نهادینه‌شده از آشنایی‌های متقابل افراد به دست می‌آید؛ یعنی منافعی که شخص از مشارکت‌های گروهی‌اش به دست می‌آورد (جوکار، ۱۴۰۰: ۱۲۶) و بوردیو سرمایه اجتماعی را یکی از اشکال سرمایه می‌داند و این سرمایه در سه شکل سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی در نظر می‌گیرد و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است (بوردیو، ۱۹۸۶).

او همچنین سرمایه اجتماعی را شبکه نسبتاً بادوامی از روابط کمابیش نهادینه‌شده توأم با شناخت و تعهدات از جمله اعتماد متقابل تعریف می‌کند که به‌عنوان منابعی بالفعل یا بالقوه موجبات لازم برای تسهیل کنش‌های فردی و یا جمعی کنشگران را فراهم می‌سازد (بوردیو، ۱۹۸۶: ۳۴۸).

بعد از بوردیو سرمایه اجتماعی با تحقیق جیمز کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۸۸ مورد توجه قرار گرفت. کلمن سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع ساختاری اجتماعی تعریف می‌کند که دارای دو ویژگی مشترک هستند: همه آن‌ها از برخی جنبه‌های ساختار اجتماعی تشکیل شده‌اند و اقدامات افرادی را که در ساختار هستند تسهیل می‌کنند. وی در ادامه بیان می‌کند: برخلاف سایر اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی در ساختار روابط بین افراد و میان افراد به وجود می‌آید و این نوع سرمایه نه در افراد به‌صورت انفرادی یافت خواهد شد نه به‌واسطه وسایل فیزیکی تولید می‌شود (الوارز و رومانی، ۲۰۱۷: ۱).

بعد از کلمن پاتنام در دهه ۱۹۹۰ از این مفهوم برای بررسی نماد دموکراتیک در ایتالیا استفاده کرد. نظریه سرمایه اجتماعی، از عقاید پیربور و جیمز کلمن نشأت می‌گیرد که بر اهمیت روابط اجتماعی و هنجارهای مشترک رفاه اجتماعی و کارآمدی اقتصادی تأکید می‌کنند. از نظر وی سرمایه اجتماعی، روابط بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی است که از این طریق حاصل می‌شود. این روابط، وظایف و مسئولیت‌های متقابل همراه با هنجارهای عمومی به وجود می‌آورد، به‌نحوی که اوضاع را جهت همکاری، مشارکت و تعاون در راستای ایجاد منافع جمعی بهبود می‌بخشد. از نظر کلمن سرمایه اجتماعی به‌عنوان بخشی از ساختار اجتماعی، مانند سایر اشکال سرمایه مولد است و به کنشگر اجازه می‌دهد که از طریق آن‌ها به اهداف خود دست یابد که شاید در نبود آن محقق نمی‌شود (استاد رحیمی و زالی، ۱۳۹۲).

<sup>۱</sup> Exchange theorist

فوکویاما نیز، همچون پاتنام، در تعریف این مفهوم از هنجارها و ارزش‌ها سخن می‌گوید. البته او هنجارها و ارزش‌های غیررسمی در یک گروه را مدنظر دارد و بر این اساس می‌گوید: سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آن‌ها مجاز است در آن سهیم‌اند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۱). بر اساس آنچه گذشت، می‌توان عنوان کرد که مفهوم اساسی و محوری در موضوع سرمایه اجتماعی، هنجارها، تعامل و ارتباط و مشارکت میان افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی و نیز میزان اعتماد و همبستگی میان آن‌ها است.

با توجه مرور ادبیات نظری و پیشینه پژوهش مؤلفه‌ها و شاخص‌های منتخب برای سنجش سرمایه اجتماعی بر اساس نظریه عمومی سرمایه اجتماعی در این پژوهش در سه سطح کلان، میانی و خرد به شرح زیر است:

سطح کلان: پنداشت از عملکرد نظام در رفع مشکلات، پنداشت از موفقیت نهادی، پنداشت از نکویی جامعه، عدالت و برابری، ارزیابی از آینده.

سطح میانی: اعتماد سازمانی، کیفیت خدمات‌رسانی، عملکرد و پاسخگویی سازمان‌ها به نیازها، آمادگی مشارکت در کمک به سازمان‌ها، اعتماد تعمیم‌یافته، پرهیزکاری و وظیفه‌شناسی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای، عام‌گرایی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای، ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مسئولان.

سطح خرد: اعتماد عمومی، ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی، عام‌گرایی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عرق ملی، رضایت از زندگی، احساس امنیت.

## روش‌شناسی

هر مطالعه و تحقیقی بنا بر ماهیت و هدفش از روش‌ها و ابزارهای خاصی بهره می‌جوید که انتخاب این ابزارها و روش‌ها باید معنادار، منطقی و توجیه‌پذیر باشد. بر مبنای ادبیات پژوهشی و مطالعات صورت گرفته در این حوزه و با توجه به اینکه این پژوهش، «سرمایه اجتماعی استان قزوین» را بررسی می‌کند، مطالعه موردی به حساب می‌آید.

روش گردآوری داده، توصیفی-پیمایشی است، در این تحقیق با استفاده از مستندات و مطالعات تطبیقی، ادبیات موضوع به‌دست‌آمده است و پرسشنامه‌های تهیه‌شده با توجه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار داده شده است.

ابزار استفاده‌شده در این بخش پرسش‌نامه بسته هست و در طیف لیکرت اندازه‌گیری شده‌اند. پرسش‌نامه مورد استفاده برای افکار سنجی و سنجش سرمایه اجتماعی، پرسش‌نامه‌ای است که در افکار سنجی ملی سال ۱۳۹۴ که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌صورت سراسری در کشور انجام شد، مورد استفاده قرار گرفته و پایایی و روایی آن تأیید شده است.

پرسشنامه از دو بخش کلی تشکیل شده است: بخش اول، شامل مشخصات فردی است، این بخش به دنبال ارزیابی توصیفی نمونه‌های

آماري هست و بخش دوم سؤالات اصلی پرسشنامه است که عمده‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سنجش سرمایه اجتماعی را بررسی

می‌کند. از آماره‌های توصیفی نظیر میانگین، میانه، نما (مد)، انحراف معیار و نمودارها جهت بررسی توصیفی یافته‌های مطالعه استفاده

شد. با توجه به تنوع متغیرها و مقتضیات طرح، از آزمون Anova به‌وسیله نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

تعداد نمونه آماری بر اساس فرمول کوکران در حالت مشخص بودن از طریق رابطه زیر تعیین می‌گردد.

$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq} \quad (1)$$

با در نظر گرفتن  $Z = 1.96$ ,  $p = q = 0.5$  و  $d = 0.05$  تعداد نمونه آماری برای هر یک از شهرستان‌های شش‌گانه استان قزوین محاسبه شده و نتیجه آن در جدول زیر منعکس شده است.

با توجه به اینکه لازم است نمونه‌گیری از مناطق شهری و روستایی شهرستان‌ها صورت پذیرد، در گام بعد تعداد نمونه هر شهرستان برحسب نسبت جمعیت شهری و روستایی آن شهرستان بین مناطق شهری و مناطق روستایی تسهیم شده است. نتیجه این امر در قالب جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱- تعداد جامعه و نمونه در شهرستان‌های استان قزوین

شهرستان	حجم نمونه	حجم نمونه برای مناطق شهری	حجم نمونه برای مناطق روستایی
قزوین	۷۰۴	قزوین	۴۷۸
		محمودآباد	۲۵
تاکستان	۳۹۳	تاکستان	۲۰۹
		نرجه	۱۵
بویین‌زهرا	۳۱۳	بویین‌زهرا	۱۲۰
		ارداق	۲۹
البرز	۴۱۰	الوند	۱۶۰
		محمدیه	۱۵۵
اوج	۱۹۶	اوج	۳۴
		آبگرم	۴۲
آبیک	۲۵۰	آبیک	۱۵۷
		خاکعلی	۸
کل استان	۲۲۶۶	شهر	۱۳۳۳
		روستا	۹۳۳

#### روش نمونه‌گیری

برای مناطق شهری: برای نمونه‌گیری از مناطق شهری هر شهرستان، دو شهر از هر شهرستان در نظر گرفته شده است. شهر اول شهر مرکز استان (به دلیل اهمیت شهر) و شهر دوم نیز به تصادف از بین سایر شهرهای آن شهرستان انتخاب شده است (تا کل حجم نمونه به شهر مرکز استان محدود نگردد). نتیجه این عمل و شهرستان‌های انتخاب شده به‌عنوان نمونه به همراه تعداد نمونه از هر شهر در جدول فوق نشان داده شده است. بعد از انتخاب شهرهای موردنظر برای انجام نمونه‌گیری، در هر شهر نمونه موردنظر از بین بلوک‌های شهری در نواحی و حوزه‌های مختلف شهری به روش تصادفی انتخاب می‌گردد.

در مناطق روستایی: برای نمونه‌گیری از مناطق روستایی هر شهرستان نیز دو روستا از هر شهرستان در نظر گرفته شده است. هر دو روستا به روش تصادفی انتخاب می‌گردد. توضیح اینکه برای انتخاب روستای نمونه به‌گونه‌ای که امکان و احتمال انتخاب نمونه از بین تمامی مناطق روستایی شهرستان‌ها فراهم آید، سه مرحله طی شده است. در مرحله اول دو بخش از هر شهرستان به تصادف انتخاب شده است. در مرحله دوم از هر بخش یک دهستان به تصادف انتخاب شده است. نتیجه این امر در قالب جدول فوق ارائه شده است. در مرحله سوم نیز از هر دهستان یک روستا به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شود. توضیح اینکه اگر جمعیت روستای انتخاب شده یا استقبال افراد نسبت به مشارکت در پاسخگویی به سؤالات به‌گونه‌ای نباشد که امکان تکمیل پرسشنامه به تعداد موردنظر از آن روستا فراهم شود، برای تکمیل تعداد باقیمانده پرسشنامه‌ها به نزدیک‌ترین روستای مجاور مراجعه شده است.

### یافته‌های پژوهش

در این گام از تحقیق هم از آمار توصیفی و هم از آمار استنباطی استفاده خواهد شد، آمار توصیفی محقق را قادر می‌سازد که اطلاعات را با روشی معنی‌دار و مؤثر تلخیص و تنظیم کند. در این راستا گزارش آماری نظرات خبرگان به صورت جداول و نمودارهای توصیفی ارائه شده است. متغیرهای موردبررسی در آمار توصیفی عبارت‌اند از: میانگین، فراوانی، انحراف استاندارد. برای آمار استنباطی نیز از متغیرهای سطح معناداری و آزمون Anova استفاده شده است و در سه سطح کلان، میانی و خرد تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفته است. بر این اساس جامعه مورد مطالعه، حسب مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای - جمعیتی و اجتماعی چون: محل سکونت، جنس، سن، تحصیلات، وضع تاهل، وضع فعالیت و مذهب در قالب جداول توزیع فراوانی درصدی توصیف شده است.

### جدول ۲- توزیع فراوانی درصدی متغیرهای زمینه‌ای جمعیتی

مدرک تحصیلی افراد نمونه					
بی‌سواد	سواد خواندن و نوشتن	ابتدایی	متوسطه	دیپلم	عالی
۲/۷	۴/۶	۶/۷	۱۷/۵	۳۴/۹	۳۳/۵
وضعیت فعالیت					
شاغل بخش خصوصی	بیکار	خانه‌دار	محصل	بازنشسته	شاغل بخش دولتی
۳۴	۱۴/۴	۱۷/۳	۱۰/۶	۷/۷	۱۶
مذهب					
شیعه	سنی	اقلیت‌های دینی			
۹۸/۴	۰/۸	۰/۸			
وضعیت تاهل					
مجرد	متاهل	سایر (مطلقه و همسر فوت کرده)			
۲۸/۴	۶۵/۵	۶/۱			
سن					

۵۵ سال به بالا	۳۰ الی ۵۴ سال	۱۸ الی ۲۹ سال
۹/۸	۵۴/۵	۳۵/۷
جنسیت		
زن	مرد	
۴۱/۴	۵۸/۶	
توزیع مکانی		
روستا	شهر	
۴۱/۲	۵۸/۸	

در تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با سنجش سرمایه اجتماعی در استان قزوین ابتدا داده‌های مرتبط با سه سطح خرد، میانی و کلان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و سپس سرمایه اجتماعی کل استان بر اساس داده‌های حاصل از این سه سطح بررسی شده که نتایج آن به قرار زیر است:

#### میانگین و رتبه سرمایه اجتماعی سطح کلان در استان قزوین

میزان سرمایه اجتماعی در استان قزوین در سطح کلان در بر دارنده ۵ مؤلفه و ۴۴ متغیر هستند که نظر پاسخگویان درباره آن‌ها پرسیده و محاسبه شده است. میانگین سرمایه اجتماعی در سطح کلان در استان قزوین برابر با ۲/۵۴ (در دامنه ۱ تا ۵) است که پایین‌تر از میانگین متوسط ۳ قرار دارد که نشان‌دهنده وضع تقریباً نامطلوب سرمایه اجتماعی در سطح کلان در استان قزوین است. در بین شهرستان‌های استان قزوین، بالاترین میانگین سرمایه اجتماعی در سطح کلان را شهرستان اوج و پایین‌ترین میانگین را شهرستان قزوین دارد. نتایج نشان می‌دهد در شهرستان قزوین، سرمایه اجتماعی در سطح کلان بر اساس تحلیل‌های آماری نسبت به دیگر شهرستان‌ها جایگاه به نسبت بدتری دارد و اوج جایگاه به نسبت بهتری دارد.

#### جدول ۳- میانگین و رتبه سرمایه اجتماعی سطح کلان در استان قزوین

رتبه میانگین سطح کلان	میانگین سطح کلان	شهرستان
۶	۲/۳۸	قزوین
۳	۲/۵۹	البرز
۴	۲/۵۰	تاکستان
۲	۲/۷۹	بویین‌زهرا
۱	۲/۸۷	اوج
۵	۲/۴۸	آبیک
-	۲/۵۴	کل استان



#### میانگین و رتبه سرمایه اجتماعی سطح میانی در استان قزوین

با محاسبه میانگین سرمایه اجتماعی در سطح میانی، در بین شهرستان‌های استان قزوین، بالاترین میانگین را شهرستان آوج و پایین‌ترین میانگین را شهرستان تاکستان دارد. البته در دو شهرستان بویین زهرا و آوج این میانگین بالاتر از عدد متوسط ۳ قرار دارد؛ اما در سایر شهرستان‌ها میانگین پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. در کل استان نیز میانگین کلی (۲/۸۲) پایین‌تر از عدد متوسط ۳ قرار دارد که در کل نشان‌دهنده وضع نامطلوب سرمایه اجتماعی سطح میانی در استان قزوین است.

جدول ۴- میانگین و رتبه سرمایه اجتماعی سطح میانی در استان قزوین

رتبه میانگین سطح میانی	میانگین سطح میانی	شهرستان
۵	۲/۷۰	قزوین
۳	۲/۹۷	البرز
۶	۲/۶۵	تاکستان
۲	۳/۱۱	بویین‌زهرا
۱	۳/۲۱	آوج
۴	۲/۹۱	آبیک
-	۲/۸۲	کل استان

#### میانگین و رتبه سرمایه اجتماعی سطح خرد در استان قزوین

میانگین سرمایه اجتماعی سطح خرد در استان برابر با ۳/۵۸ است. این میانگین نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی سطح خرد در استان متوسط رو به بالاست. در بین شهرستان‌های استان قزوین، بالاترین میانگین سرمایه اجتماعی در سطح خرد را شهرستان آوج (۳/۹۰) و پایین‌ترین میانگین را شهرستان تاکستان (۳/۳۷) دارد. در شهرستان تاکستان، سرمایه اجتماعی در سطح خرد بر اساس تحلیل‌های آماری نسبت به دیگر شهرستان‌ها جایگاه به نسبت پایین‌تری دارد.

جدول ۵- میانگین و رتبه سرمایه اجتماعی سطح خرد در استان قزوین

رتبه میانگین سطح خرد	میانگین سطح خرد	شهرستان
۵	۳/۵۷	قزوین
۳	۳/۶۱	البرز
۶	۳/۳۷	تاکستان
۲	۳/۶۷	بویین‌زهرا
۱	۳/۹۰	آوج
۴	۳/۵۴	آبیک
-	۳/۵۸	کل استان

## سرمایه اجتماعی کل در استان قزوین

با ترکیب سه سطح سرمایه اجتماعی، یعنی سطوح کلان، میانی و خرد که نتایج مربوط به هریک از آنها در بخش‌های پیشین ارائه شد و با تجمیع اطلاعات مربوط به هریک از سطوح و شاخص‌های مربوط به آنها، سرمایه اجتماعی کل در استان قزوین محاسبه شده است. با ترکیب و تجمیع پاسخ‌های مربوط به شاخص‌های مختلف و میانگین گرفتن از آنها، میانگین سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان قزوین به تفکیک و میانگین سرمایه اجتماعی در کل سطح استان مشخص شده است.

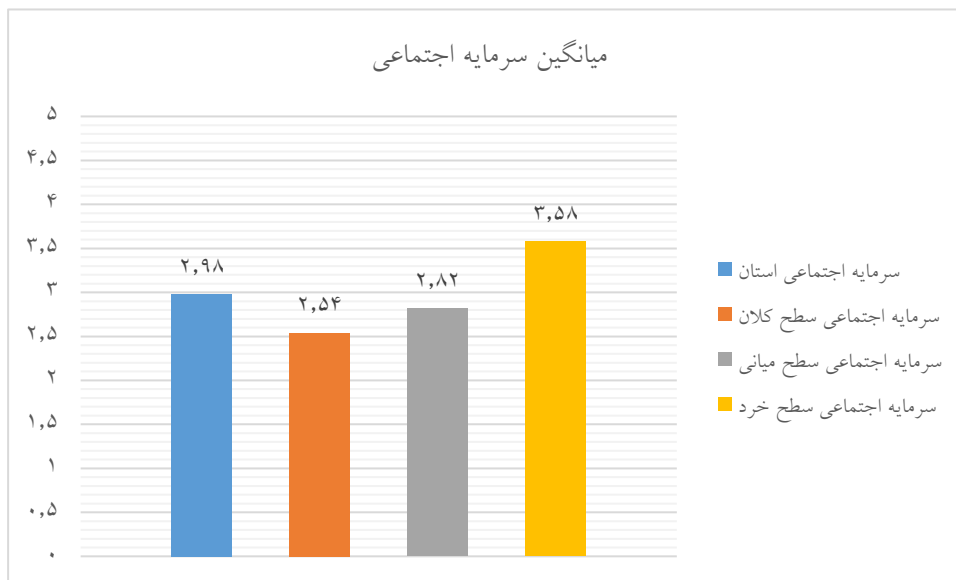
جدول ۶- میانگین و رتبه سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان قزوین

شهرستان	میانگین	تعداد	رتبه میانگین
قزوین	۲/۸۸	۷۰۴	۵
البرز	۳/۰۶	۳۹۳	۳
تاکستان	۲/۸۴	۳۱۳	۶
بویین‌زهرا	۳/۱۹	۴۱۰	۲
آوج	۳/۳۳	۱۹۶	۱
آبیک	۲/۹۸	۲۵۰	۴
کل استان	۲/۹۸	۲۲۶۶	-

چنانکه ملاحظه می‌شود میانگین سرمایه اجتماعی سه شهرستان آبیک، قزوین و تاکستان که به ترتیب رتبه‌های چهار تا شش را دارند، کمتر از حد متوسط ۳ در طیف ۱ تا ۵ است. همچنین میانگین یکی از این سه شهرستان (آبیک) تقریباً معادل میانگین استانی است و میانگین دو شهرستان قزوین و تاکستان از میانگین استانی (که پایین‌تر از حد متوسط یعنی عدد ۳ قرار دارد) کمتر است.

در بین شهرستان‌های استان قزوین، بالاترین میانگین سرمایه اجتماعی را شهرستان آوج با رتبه ۱ و پایین‌ترین میانگین را شهرستان تاکستان با رتبه ۶ دارد. این میانگین‌ها نشان می‌دهند که از نظر پاسخگویان در شهرستان تاکستان، سرمایه اجتماعی بر اساس تحلیل‌های آماری نسبت به دیگر شهرستان‌ها جایگاه به نسبت پایین‌تری دارد. ولی در شهرستان آوج سرمایه اجتماعی جایگاه به نسبت بهتری دارد. در کل استان قزوین نیز میانگین کلی (۲/۹۸) کمتر از عدد میانگین ۳ قرار دارد که نشان‌دهنده این است که در استان قزوین سرمایه اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط است.

با ترکیب و تجمیع پاسخ‌های مربوط به شاخص‌های مختلف و میانگین گرفتن از آنها، میانگین سرمایه اجتماعی در استان قزوین در سطوح سه‌گانه سرمایه اجتماعی نیز به تفکیک و میانگین سرمایه اجتماعی در کل سطح استان نیز مشخص و در شکل زیر نشان داده شده است. این آمار میانگین سرمایه اجتماعی در استان قزوین را در هریک از سطوح و در کنار سرمایه اجتماعی کل در استان نشان می‌دهد، امکان مقایسه را فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد در کدام سطح سرمایه اجتماعی پایین‌تر و در کدام بالاتر است و نسبت آنها با سرمایه اجتماعی در کل چگونه است.



شکل ۱- میانگین سرمایه اجتماعی استان قزوین

در سه سطح خرد، میانی و کلان در استان قزوین، تنها میانگین سرمایه اجتماعی در سطح خرد (۳/۵۸) مقدار کمی بالای عدد میانگین متوسط ۳ قرار دارد و میزان آن متوسط رو به بالاست؛ اما میانگین میزان سرمایه اجتماعی در دو سطح کلان و میانی پایین تر از عدد میانگین حد متوسط ۳ قرار دارد. این اعداد نشان دهنده وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی در این دو سطح کلان و میانی است و به ویژه نشان می دهد میانگین سرمایه اجتماعی در سطح کلان پایین ترین میزان را دارد. میانگین سرمایه اجتماعی در کل استان برابر با ۲/۹۸ است که مقداری از متوسط پایین تر است. این مقایسه نشان می دهد یکی از عوامل مهمی که میانگین سرمایه اجتماعی در کل استان را به پایین تر از حد متوسط کشانده، پایین بودن سرمایه اجتماعی سطح کلان است که علل و ریشه های پایین بودن آن تا حد زیادی در خارج از استان است.

### بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش ضمن بررسی مبانی نظری سرمایه اجتماعی، با افکار سنجی در سطح استان قزوین سعی شد وضعیت سرمایه اجتماعی در استان مشخص شود. نظر به اینکه سرمایه اجتماعی در سه سطح کلان، میانی و خرد، مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت، مشخص شد تنها میانگین سرمایه اجتماعی در سطح خرد (۳/۵۸) مقدار کمی بالای عدد میانگین متوسط ۳ قرار دارد و میزان سرمایه اجتماعی در دو سطح کلان (۲/۵۴) و میانی (۲/۸۲) پایین تر از متوسط و عدد میانگین یعنی عدد ۳ قرار دارند؛ بنابراین با توجه به اینکه عدد میانگین سرمایه اجتماعی در استان (۲/۹۸ از ۵) است. می توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی در استان پایین تر از حد متوسط قرار دارد. اگرچه میانگین سرمایه اجتماعی در سطح خرد بالاتر از میانگین است اما با توجه میانگین کل وضعیت سرمایه اجتماعی که پایین تر از حد متوسط است، باید گفت سرمایه اجتماعی در استان قزوین وضع مناسبی ندارد.

این وضعیت نشان می دهد که در دو سطح کلان و میانی که به حوزه های ارتباط مردم با دولت و نهادهای دولتی در سطح کلان و ارتباط با نهادها، شرکتها، سازمانها و ادارات و دستگاههای دولتی در سطح استان مربوط می شود که از حوزه های حکمرانی و

مدیریتی به حساب می‌آیند وضعیت سرمایه اجتماعی بدتر است؛ اما سطح خرد که به حوزه روابط اجتماعی افراد با یکدیگر مربوط می‌شود وضع کمی فرق می‌کند و مناسب‌تر است.

با توجه به نتایج افکار سنجی، اگرچه میانگین سرمایه اجتماعی در سطح خرد بالاتر از میانگین است اما با توجه میانگین کل که وضعیت سرمایه اجتماعی در کل را پایین‌تر از حد متوسط نشان می‌دهد باید گفت سرمایه اجتماعی در استان قزوین وضع مناسبی ندارد. مرور پیشینه و نتایج افکار سنجی‌های پیشین در استان قزوین نیز نتایج مشابهی به دست می‌دهد. افکار سنجی ملی که در سال ۱۳۹۴ و از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت نیز نشان داد که میانگین سرمایه اجتماعی در استان قزوین پایین‌تر از حد متوسط و مقدار میانگین آن ۲,۶۶ از ۵ است. گرچه نتایج افکار سنجی اخیر میانگین را بالاتر از میانگین سال ۱۳۹۴ و به مقدار ۲,۹۸ از ۵ نشان می‌دهد و این رقم نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی در استان نسبت به ۵ سال گذشته کمی بهبود و ارتقاء یافته، اما همچنان پایین‌تر از حد متوسط است.

این وضعیت یک علامت و نشانه ضعیف (weak signal) است. علامت و نشانه ضعیف در ادبیات آینده‌پژوهی به نشانه‌های اطلاق می‌شود که اگرچه چندان دیده نمی‌شوند و به آن‌ها اهمیت داده نمی‌شود، اما می‌توانند نشانه و زمینه رویدادها و اتفاقات بزرگ در آینده باشند؛ بنابراین وضعیت پایین‌تر از حد متوسط سرمایه اجتماعی را باید علامت و هشدار به سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، مدیران و مسئولان دانست که اگر به آن توجه نشود می‌تواند تحولات و رویدادهای بزرگ پیش‌بینی نشده و نه‌چندان مثبتی رقم بزند و اگر به آن توجه و در جهت بهبود و ارتقاء آن اقدام شود، می‌توان نه‌تنها از رویدادهای پیش‌بینی نشده منفی جلوگیری کرد، بلکه می‌توان تحولات و وضعیت‌های مثبت و مطلوبی را به وجود آورد.

وضعیت بهتر سرمایه اجتماعی سطح خرد در استان قزوین را می‌توان به عوامل مختلفی نسبت داد. یکی اینکه جامعه استان قزوین جامعه‌ای محسوب می‌شود که همچنان به مجموعه‌ای از سنت‌ها پایبندی دارد. روابط اجتماعی در چارچوب این سنت‌ها و اعتبار و ارزش آن‌ها موجب می‌شود که سرمایه اجتماعی که تولید می‌شود بالاتر از سطوح دیگر باشد. نظر به اینکه این پژوهش در زمانی پس شیوع کرونا در کشور انجام شد، می‌توان پیامدهای ناشی از شیوع کرونا را به‌عنوان عامل دیگری در نظر گرفت که به‌رغم تأثیرات منفی آن، بر سرمایه اجتماعی در سطح خرد تأثیر مثبت داشته است؛ زیرا شیوع کرونا فاصله اجتماعی را در سطح کل افزایش داد اما موجب فرورفتن اجتماعات خرد در خود شد. لذا روابط اجتماعی در سطوح خرد به‌ویژه در سطح خانواده، اقوام و قوم‌و‌خویش‌ها را تقویت کرد. این امر در کنار ویژگی سنتی جامعه قزوین روابط و مناسبات اجتماعی در سطح خرد را تقویت کرد. از این‌رو موجب بهبود سرمایه اجتماعی در سطح خرد شده است (البته این عوامل و تأثیرشان بر سرمایه اجتماعی موضوعاتی هستند که می‌تواند موضوع پژوهش‌های جدیدی باشد و رابطه آن‌ها با سرمایه اجتماعی بررسی شود). وضعیت بهتر سرمایه اجتماعی در سطح خرد نشان می‌دهد که در این سطح زمینه‌ها و ظرفیت‌های مناسبی برای ارتقاء سرمایه اجتماعی وجود دارد و می‌توان با بهره‌گیری از آن برای ارتقاء سرمایه اجتماعی در استان استفاده کرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، میانگین سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های مختلف استان نیز با یکدیگر متفاوت است. میانگین سرمایه اجتماعی در هریک از شهرستان‌ها به ترتیب از بالا به پایین بدین قرار است: آوج ۳/۳۳، بوئین زهرا ۳/۱۹، البرز ۳/۰۶، آبیک ۲/۹۸، قزوین ۲/۸۸ و تاکستان ۲/۸۴. چنانکه پیداست میانگین سرمایه اجتماعی در آوج نسبت به سایر شهرستان‌ها بالاتر است و تاکستان نسبت به سایر شهرستان‌ها رتبه پایین تری را دارد. این آمار گویای آن است که در سه شهرستان آوج، بوئین زهرا و البرز میانگین سرمایه اجتماعی بالاتر از حد متوسط است، اما در شهرستان‌های آبیک، قزوین و تاکستان میانگین سرمایه اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط است. این تفاوت‌ها گویای آن است که در برخی از شهرستان‌ها کاهش سرمایه اجتماعی شتاب بیشتری دارد اما در برخی وضعیت مناسب‌تر است. به نظر می‌رسد در اینجا نیز عوامل اجتماعی و ساختارها و مناسبات اجتماعی سنتی به‌ویژه در سطح خردنقش تأثیرگذاری بر وضعیت سرمایه اجتماعی داشته باشد.

باوجود تفاوت‌هایی که از نظر میزان سرمایه اجتماعی بین شهرستان‌های مختلف وجود دارد، واقعیتی که بر اساس افکار سنجی‌ها مشخص شده این است که در همه شهرستان‌ها و در کل استان قزوین سرمایه اجتماعی زیر متوسط است و اگر در برخی شهرستان‌ها بالای متوسط قرار دارد تا رسیدن به حد خوب فاصله زیادی دارد. از مقایسه سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد هم همین نتیجه حاصل می‌شود. در دو سطح کلان و میانی سرمایه اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط است و در سطح خرد بالاتر از حد متوسط قرار دارد سرمایه اجتماعی در سطح خرد بالاتر از حد متوسط قرار دارد، اما در این سطح نیز برای رسیدن به حد خوب فاصله زیاد است. بر این اساس تلاش برای ارتقاء سرمایه اجتماعی در کل استان و در تمامی سطوح سرمایه اجتماعی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. برای ارتقا سرمایه اجتماعی در استان لازم است از یک سو به بهبود عملکردها، مبادرت ورزید و از سوی دیگر در جهت اصلاح و ترمیم نگرش‌های مردم استان اقدام شود.

نکته حائز اهمیت آن است که جبران کاستی‌های سرمایه اجتماعی در کوتاه‌مدت میسر نیست و تلاش برای ارتقاء این سرمایه در کوتاه‌مدت به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. از این رو اگر انتظار ارتقاء سرمایه اجتماعی را داریم باید ضمن انجام دادن تمام اقدامات و اجرای راهبرد در یک چارچوب یکپارچه، دوره طولانی نیز انتظار کشید. از سوی دیگر استمرار و تداوم برنامه‌ها و اقدامات لازم است. قطع و وصل کردن برنامه‌ها و تغییرات پی‌درپی مانع به ثمر نشستن اقدامات می‌شود.

از این رو پیشنهاد می‌شود برای ارتقاء سرمایه اجتماعی در استان، اجرای راهبرد را به گونه ای طراحی و اجرایی کنیم که مداوم باشد، و با جابجایی مدیران و مسئولان، مدیران و مسئولان جدید ملزم به تداوم بخشیدن راه آغاز شده برای ارتقاء سرمایه اجتماعی باشند. در این جهت لازم است مقررات و قوانینی وضع شود و ساختار پایدار و مداومی ایجاد شود که با تغییر مدیران و مسئولان تغییر نیابد.

نکته بااهمیت دیگر در فرایند اجرای راهبردها مسئله بازخورد گیری است. اگرچه موفقیت در اجرای راهبردها برای ارتقاء سرمایه اجتماعی به استمرار و پرهیز از تغییر سیاست‌ها و برنامه‌ها نیاز دارد، اما لازم است با ارزیابی تأثیرات و نتایج اجرای راهبردها و بررسی پیامدها و بازخوردهای مثبت و منفی آن نسبت به بازبینی و بازنگری در برنامه‌ها در صورت ضرورت اقدام شود. از طرف دیگر سرمایه اجتماعی ماهیتی سیال و پویا دارد و تحت تأثیر عوامل مختلف قرار می‌گیرد و بالا و پایین می‌شود؛ بنابراین هم‌زمان با اجرای

راهبردهای ارتقاء سرمایه اجتماعی، سنجش و ارزیابی مستمر تأثیرات اجرای این راهبردها و رصد مستمر وضعیت سرمایه اجتماعی در استان ضروری به نظر می‌رسد.

## تشکر و قدردانی

این مقاله بر گرفته از طرح پژوهشی «اندازه‌گیری وضعیت سرمایه اجتماعی و شناسایی راهبردهای ارتقاء آن در استان قزوین با تأکید بر ظرفیت‌های استان» است که توسط پژوهشکده آینده پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) اجرا شده است. بر همین اساس از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین به عنوان کارفرما و سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین به عنوان ناظر اجرایی طرح که با حمایت‌های مادی و معنوی خود از اجرای این طرح پشتیبانی فراوانی کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

## منابع

- استادرحیمی، ر؛ و زالی، ن. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مؤلفه های سرمایه اجتماعی شهری در شهرهای مرکزی استان آذربایجان شرقی. *جامعه شناسی کاربردی*، د ۲۴، ش ۱، ص ۲۰۹-۲۳۰.
- اکبریان رنیزی، س؛ رضاعلی، م. و چهار راهی، ذ. (۱۳۹۶). تحلیل وضعیت سرمایه اجتماعی شهری (مطالعه موردی: شهر استهبان، استان فارس). *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، د ۱۲، ش ۲، ص ۳۷۵-۳۸۹.
- آزاد، م؛ رحمتی فیروز جاه، ع. و عباسی اسفجیر، ع. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط سرمایه‌ی اجتماعی با توسعه‌ی پایدار شهری (مطالعه‌ی موردی: استان مازندران). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، د ۹، ش ۳۰، ص ۸۹-۱۲۴.
- بورديو، پ. (۱۳۸۴). *شکل‌های سرمایه، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، تهران: شیرازه.
- جوکار، ح. (۱۴۰۰). روش حکومتی پیامبر(ص) در مدیریت سرمایه اجتماعی. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، د ۸، ش ۱، ص ۱۲۳-۱۴۹.
- خوش فر، غ. و میرزاخانی، ش. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین شاخص های سرمایه اجتماعی با سطح توسعه یافتگی (مورد مطالعه: شهرستان های استان گلستان در سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰). *فصلنامه مشارکت اجتماعی*، د ۲، ش ۳، ص ۱-۲۵.
- ربانی خوراسگانی، ع؛ صدیق اورعی، غ و خنده رو، م. (۲۰۱۰). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در سطح محله. *علوم اجتماعی*، ۱۴۹-۱۱۹.
- رویایی، ر. و کاوسی، ا. (۱۳۸۷). طراحی و تدوین الگوی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی. *آینده پژوهی مدیریت*، ۱۹(۱)، ۲۹-۱۵.
- سعادت، ر. (۱۳۸۵). تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استانها، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، د ۶، ش ۲۳، ص ۱۷۳-۱۹۶.
- عبداللهی، م. و موسوی، م. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان شناسی گذار، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، د ۶، ش ۲۵، ص ۱۹۵-۲۳۴.
- غفاری، غ. (۱۳۹۴). سنجش سرمایه اجتماعی کشور (موج دوم). پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات
- فوکویاما، ف. (۱۳۸۵). *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.

محمدی، م.؛ شعبانعلی فمی، ح.؛ کلانتری، خ. و رستمی، ف. (۱۳۸۹). تعیین شاخص های مناسب اندازه گیری سرمایه اجتماعی در رتبه بندی دانشکده های کشاورزی، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰ د، ش ۳۷، ص ۳۵۱-۳۸۲.

موسوی خامنه، م. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی - تحلیلی رابطه قومیت و سرمایه اجتماعی با شاخص های توسعه یافتگی (شاخص رفاه خانوار) در دو منطقه هندیجان و بهبهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده اقتصاد و حسابداری.

Abbasi, A., Wigand, R. T., & Hossain, L. (2014). Measuring social capital through network analysis and its influence on individual performance. *Library & Information Science Research*, 36(1), 66-73.

Bourdieu, P. (1986) *The forms of capital. In handbook of theory and research for the sociology of education. J. Richardson (Eds)*. New York: Greenwood Press: 241-258

Carrillo Álvarez, E., & Riera Romaní, J. (2017). Measuring social capital: further insights. *Gaceta sanitaria*, 31, 57-61.

Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, 94, S95-S120.

Fedor, C.G. (2019). "Social Capital and Community Development: Case Study", *journal of Social Research Reports*, 11(1), pp. 65-77.

Forsell, T., Tower, J., & Polman, R. (2020). Development of a scale to measure social Capital in Recreation and Sport Clubs. *Leisure Sciences*, 42(1), 106-122.

Fukuyama, F. (1999). *The great disruption: Human nature and the reconstitution of social order. Free pres, New York.*

Fukuyama, F. (2001). Social capital, civil society and development. *Third world quarterly*, 22(1), 7-20.

Hall, P. A. (1999). Social capital in Britain. *British journal of political science*, 417-461.

Hanifan, L. J. (1916). The rural school community center. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 67(1), 130-138.

Hennekam, S., McKenna, S., Richardson, J., & Ananthram, S. (2019). Perceptions of demotion decisions: A social capital perspective. *European Management Journal*.

Homans, G. C. (1961). The humanities and the social sciences. *American Behavioral Scientist*, 4(8), 3-6.

Loury, G. C. (1979). Market structure and innovation. *The quarterly journal of economics*, 395-410.

Narayan, D., & Cassidy, M. F. (2001). A dimensional approach to measuring social capital: development and validation of a social capital inventory. *Current sociology*, 49(2), 59-102.

Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon and Schuster.

Sangnier, M. (2011). The co-evolution of social capital and financial development, *Economics Bulletin*, 14, 1-23.

Seeley, J. R., Seeley, J. R., Loosley, E. W., & Sim, R. A. (1956). *Crestwood Heights: A study of the culture of suburban life* (Vol. 19). New York: Basic Books.

Stone, W., & Hughes, J. (2002). Measuring social capital: towards a standardised approach. In Paper presented at the (Vol. 3, No. 9214, p. 7820).

Teilmann, K. (2012). Measuring social capital accumulation in rural development. *Journal of Rural Studies*, 28(4), 458-465.

Vilhjeldsdóttir, S. (2012). Three dimensions of social capital and government performance. *Economics Bulletin*, 27, 19-44.

Weingaertner, C., & Moberg, Å. (2014). Exploring social sustainability: Learning from perspectives on urban development and companies and products. *Sustainable Development*, 22(2), 122-133.

Yeon Ahn, S., & Hyung Kim, S. (2017). What makes firms innovative? The role of social capital in corporate innovation. *Sustainability*, 9, 1

مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری استان قزوین